

بررسی نگرش‌های شناختی و عاطفی دوزبانه‌های کردی-فارسی

نسبت به زبان فارسی معیار بر اساس رویکرد ذهن‌گرایی^۱

ماندانا پیروزفر^۲

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

محمود الیاسی^۳

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در چند دهه اخیر، نگرش‌زبانی یکی از مهمترین موضوعات مطرح در حوزه مطالعات زبان و به خصوص جامعه‌شناسی زبان به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت مبحث نگرش‌زبانی افراد دوزبانه، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد ذهن‌گرایی به بررسی نگرش‌زبانی کردزبانان ساکن در شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار می‌پردازد و با بهره‌گیری از دو ابزار پرسش‌نامه و آزمون تطبیق صدا، نگرش‌شناختی و عاطفی دوزبانه‌های کردی-فارسی را مورد سنجش قرار می‌دهد. بدین منظور، ۱۴۸ زن و مرد دوزبانه، در دو گروه سنی (۱۵-۱۸ ساله و ۲۲-۳۲ ساله) و سه سطح تحصیلی متفاوت (دانش‌آموز دبیرستان، دیپلم و دانشجو) در شهر سنندج به صورت تصادفی انتخاب شدند. پس از توزیع پرسش‌نامه و اجرای آزمون تطبیق صدا، داده‌ها جمع‌آوری شدند و مورد تحلیل آماری قرار گرفتند. یافته‌های حاصل حاکی از آن است که به طور کلی، نگرش‌زبانی کردزبانان ساکن شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار مثبت نیست، و نگرش‌شناختی و عاطفی افراد نسبت به این زبان با یکدیگر متفاوت است. در پژوهش حاضر، برای نخستین بار این دو نوع نگرش با استفاده از دو ابزار متفاوت مورد بررسی قرار گرفتند. وجه تمایز این پژوهش با دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، بهره‌گیری از آزمون تطبیق صدا برای سنجش نگرش عاطفی دوزبانه‌ها است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، نگرش‌زبانی، نگرش‌شناختی، نگرش عاطفی، دوزبانگی، آزمون تطبیق صدا.

۱- مقدمه

نگرش زبانی یکی از مهمترین مسائل مطرح در مطالعات زبان و به خصوص در حوزه جامعه‌شناسی زبان است. از دلایل اهمیت مطالعه نگرش زبانی افراد، می‌توان به درک رفتار اجتماعی آنها نسبت به زبان مورد مطالعه و موقعیت آن زبان از نظر افراد آن جامعه زبانی اشاره کرد. نگرش زبانی با شناخت، احساس و رفتار آدمی در ارتباط است. عنصر رفتار گاهی با عنصر شناخت که تحت تأثیر تجربیات گذشته افراد و باورهای آنها نسبت به جهان خارج است، و گاه با عنصر احساس که با عواطف و احساسات افراد سر و کار دارد، در ارتباط است. بخشی از اهمیت نگرش ناشی از آن است که صاحب‌نظران مطالعه آن را برای درک رفتار اجتماعی حیاتی می‌دانند. بخش دیگری از این اهمیت مبتنی بر این فرض است که نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتارها هستند و این فرض به طور ضمنی دلالت بر این امر دارد که با تغییر نگرش‌های افراد می‌توان رفتارهای آنها را تغییر داد (ترکان و کجیاف، ۱۳۸۷: ۴۹). از آنجا که نگرش مفهومی انتزاعی است، ارائه تعریفی جامع و دقیق برای آن و همچنین سنجش آن در افراد گوناگون بسیار دشوار است. در حوزه جامعه‌شناسی زبان، برای مطالعه و سنجش نگرش افراد نسبت به یک زبان، به ویژه افراد دوزبانه، از روش‌های مستقیم از جمله پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده و روش‌های غیرمستقیم مانند آزمون تطبیق صدا^۴ استفاده می‌شود. مسئله مورد نظر در این پژوهش، بررسی نگرش دوزبانه‌های کردی-فارسی در شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار است.

۲- پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات در زمینه نگرش در کشورهای اروپایی و امریکایی به آغاز دوره مطرح شدن مفهوم نگرش توسط آلپورت^۵ در سال ۱۹۳۰ میلادی در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌رسد. در حوزه زبان‌شناختی، نخستین مطالعه نگرش زبانی مربوط به سال ۱۹۶۰ میلادی در کانادا است. در این بخش به چند مورد از مهمترین تحقیقات انجام‌شده در این حوزه اشاره می‌شود.

لمبرت^۶، هاگسون^۷، گاردنر^۸ و فیلن‌باوم^۹ (۱۹۶۰) نخستین افرادی بودند که با بکارگیری

4. Matched Guise Test (MGT)

5. G. W. Allport

6. W. E. Lambert

7. R. C. Hodgson

8. R. C. Gardner

9. S. Fillenbaum

آزمون تطبیق صدا به سنجش نگرش‌های زبانی افراد پرداختند. این پژوهش در جامعه دوزبانه انگلیسی-فرانسوی زبان استان کبک^{۱۰} کانادا اجرا گردید. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از آن بود که کانادایی‌های انگلیسی‌زبان صداهایی را که به زبان انگلیسی ضبط شده بود، بسیار خوشایندتر و مثبت‌تر از صدای سخنگویان فرانسوی زبان ارزیابی کرده بودند. از طرف دیگر، کانادایی‌های فرانسوی‌زبان هم صدای انگلیسی‌زبانان را مثبت‌تر از صدای فرانسویان هم‌زبان خود می‌دانستند.

بیکر^{۱۱} (۱۹۹۲) ۷۹۷ دختر و پسر ۱۱ تا ۱۴ ساله ولزی را مورد سنجش قرار داد و نگرش آنها را نسبت به زبان ولزی مطالعه نمود. به طور کلی، نگرش‌ها نسبت به زبان ولزی از نظر نوجوانان چندان مثبت نبود. بیکر دو سال بعد پس‌آزمون را با حجمی کوچکتر از نظر تعداد آزمودنی‌ها و با گزینه‌های کمتر در پرسش‌نامه اجرا کرد و دریافت که نگرش اکثر نوجوانان نسبت به زبان ولزی منفی‌تر شده است.

سوکاپ^{۱۲} (۲۰۰۰) نیز در تحقیقی با عنوان بررسی نگرش‌های زبانی نسبت به زبان انگلیسی-امریکایی جنوبی در ایالات متحده آمریکا با استفاده از آزمون تطبیق کلامی^{۱۳} (گونه‌ای از آزمون تطبیق صدا) و پرسش‌نامه به بررسی نگرش زبانی دانشجویان امریکایی نسبت به گونه زبانی جنوبی در یک موقعیت شغلی (فروشنده‌گی) پرداخت و هدف خود را از انجام این پژوهش میدانی، بررسی نگرش زبانی مردم جوامع آمریکا و نوع رفتار آنها با جنوبی‌ها بیان کرد. پس از تحلیل آماری داده‌های گردآوری‌شده از ۲۹۱ آزمودنی، نتایج این تحقیق نشان داد که نگرش زبانی نسبت به زبان مورد نظر (برای گویندگان مرد بیش از گویندگان زن) در مقایسه با گونه زبانی معیار منفی است.

از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در استان کبک کانادا می‌توان به پژوهش کرچر^{۱۴} (۲۰۰۹) اشاره کرد. وی هدف از انجام این تحقیق را بررسی نگرش ساکنان این منطقه از جمله مهاجران ساکن در این استان، با پیشینه‌های زبانی و فرهنگی متفاوت معرفی کرد. بدین منظور، نگرش ۱۶۴ دانش‌آموز انگلیسی‌زبان و فرانسوی‌زبان در مونترال را نسبت به سه زبان انگلیسی، فرانسوی

10. Quebec

11. C. Baker

12. B. Soukup

13. verbal guise test

14. R. Kircher

کبکی و فرانسوی اروپایی با دو روش متفاوت پرسش‌نامه و آزمون تطبیق مورد ارزیابی قرار داد. نتایج حاکی از آن بود که به طور کلی، نگرش در همه ابعاد نسبت به هر دو زبان انگلیسی و فرانسوی مثبت است اما نگرش نسبت به زبان فرانسوی، به ویژه در مورد موقعیت این زبان، در مقایسه با موقعیت زبان انگلیسی منفی‌تر است.

از پژوهش‌های حوزه نگرش زبانی در داخل کشور می‌توان به تحقیق بشیرنژاد (۱۳۸۶) اشاره کرد که به بررسی کاربرد دو زبان فارسی و مازندرانی در حوزه‌ها و موقعیت‌های مختلف و همچنین سنجش نگرش زبانی ۱۲۰۰ آزمودنی زن و مرد در گروه‌های سنی متفاوت در پنج شهر و ۱۲ منطقه روستایی، نسبت به این دو زبان پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که میزان کاربرد مازندرانی در همه حوزه‌ها رو به کاهش است. نگرش آزمودنی‌ها در برخی زمینه‌ها به زبان مازندرانی تا حدودی مثبت است، اما در مجموع جوانان بیش از سایر گروه‌ها به کاربرد زبان فارسی گرایش دارند.

احمدی (۱۳۸۸) پژوهش میدانی دیگری با هدف بررسی جایگاه و کاربرد زبان فارسی و زبان کردی در شهرستان‌های چهارگانه منطقه اورامانات به انجام رسانده است. وی ۴۵۰ آزمودنی را با توجه به جدول مورگان^{۱۵} به صورت تصادفی انتخاب نموده و میزان کاربرد زبان‌های مورد نظر توسط آزمودنی‌ها را در حوزه‌های گوناگون مانند خانواده، مدرسه، موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و مراکز اداری مورد سنجش قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که میزان کاربرد این زبان‌ها در گروه‌های مختلف با هم متفاوت و از نظر آماری معنادار هستند.

شعبان (۱۳۸۹) نیز در تحقیقی به بررسی نگرش زبانی ۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی در شهر بروجرد نسبت به زبان فارسی پرداخته است. وی در این پژوهش به این نتیجه رسیده که نگرش آزمودنی‌ها به زبان فارسی تقریباً مثبت است.

فقیه (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان بررسی کاربرد زبان فارسی در شهرهای سنندج و بانه با هدف بررسی میزان استفاده از دو زبان فارسی و کردی در تعاملات روزمره مردم این دو شهر به انجام رسانده است؛ وی بدین منظور، ۶۰۰ آزمودنی را با پرسش‌نامه‌ای بر اساس الگوی پاراشر^{۱۶} (۱۹۸۰) مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری نشان داده است که

15. Morgan

16. Paracher

اختلاف در استفاده از دو زبان فارسی و کردی توسط گروه‌های مختلف سنی، تحصیلی، جنسیتی و افراد متأهل با همسر کرد و غیرکرد از نظر آماری معنی‌دار است.

پیشقدم و صبوری (۲۰۱۱) با بهره‌گیری از آزمون تطبیق صدا، نگرش ۱۶۵ زبان‌آموز زبان انگلیسی را نسبت به گونه‌های مختلف زبان انگلیسی مورد سنجش قرار دادند. متن آزمون تطبیق صدا به زبان انگلیسی و توسط سخنگویان انگلیسی-آمریکایی، انگلیسی-بریتانیایی، فارسی و عربی خوانده شد و در نهایت، این نتیجه حاصل شد که زبان‌آموزان شرکت‌کننده در آزمون، زبان انگلیسی با لهجهٔ آمریکایی را نسبت به لهجه‌های دیگر برتر می‌دانند.

از دیگر تحقیقاتی که دو زبان فارسی و کردی را مورد مطالعه قرار داده است، می‌توان به پژوهش احمدخانی، نجفیان و کمری (۱۳۹۲) اشاره کرد که به بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در میان ۳۹۴ فرد دوزبانه در شهرستان شیروان چرداول پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از تحلیل آماری پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی، آزمودنی‌ها در همهٔ گروه‌های مورد نظر، در موقعیت‌های رسمی از زبان فارسی و در موقعیت‌های غیررسمی از زبان کردی استفاده می‌نمایند و این همبستگی مثبت است. در این پژوهش، تفاوت معناداری میان استفادهٔ زنان و مردان از زبان فارسی مشاهده نشده است.

هانسیا^{۱۷} (۲۰۱۴) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود به بررسی نگرش‌های زبانی نسل اول و دوم ۴۷ فرد دوزبانهٔ افغانی-آمریکایی و ایرانی-آمریکایی نسبت به زبان‌های دری و فارسی پرداخته است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، آزمون تطبیق صدا بوده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از آن بود که از نظر شرکت‌کنندگان پژوهش، زبان فارسی و سخنگویان آن دارای اعتبار اجتماعی بیشتری نسبت به زبان دری و سخنگویان آن هستند.

همان‌طور که پیشتر ذکر گردید، بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در جوامع دوزبانه در داخل ایران، جایگاه و میزان کاربرد دو زبان را مورد مطالعه قرار داده‌اند و پژوهش‌هایی که به طور غیرمستقیم به سنجش نگرش زبانی افراد بپردازند، محدود هستند. از سوی دیگر، همین نمونه‌های محدود و اندک نیز اغلب نگرش زبانی افراد دوزبانه را از طریق روش‌های مستقیم از جمله پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده ارزیابی نموده‌اند. در واقع در بیشتر موارد به سنجش

نگرش شناختی و آشکار افراد توجه شده و مطالعه نگرش زبانی عاطفی و پنهان دوزبانه‌ها در ایران، ناچیز بوده و چندان مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳- روش‌شناسی

در بخش حاضر، جامعه آماری، متغیرها، ابزارهای مورد استفاده و در نهایت روش انجام پژوهش به طور مختصر تشریح می‌شود.

۳-۱- جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را ۱۴۸ فرد دوزبانه کردی-فارسی ساکن شهر سنندج تشکیل داده‌اند که در دو گروه سنی نوجوان (۱۵-۱۸ ساله) و جوان (۲۲-۳۲ ساله) جای گرفته‌اند. گروه سنی نوجوانان شامل ۸۰ دختر و پسر (۴۰ دختر و ۴۰ پسر ۱۵ تا ۱۸ ساله) ساکن شهر سنندج و گروه سنی جوانان شامل ۶۸ زن و مرد (۲۰ دانشجوی زن، ۲۰ دانشجوی مرد، ۱۵ مرد دیپلم و ۱۳ زن دیپلم) دوزبانه ساکن شهر سنندج هستند. نوجوانان شرکت‌کننده به تعداد مساوی از هر چهار مقطع تحصیلی (اول، دوم، سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی)، هر مقطع ۱۰ نفر، از دو دبیرستان دولتی پسرانه و دخترانه واقع در ناحیه یک آموزش و پرورش شهر سنندج با نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش نیز دانشجوی سال آخر در مقطع کارشناسی در دانشکده زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه کردستان سنندج بودند که به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. افراد شرکت‌کننده دارای مدرک دیپلم نیز به صورت تصادفی از محیط‌های شهری از جمله خیابان و بازار انتخاب شدند و مشابه شرکت‌کنندگان دانشجوی، پس از ملاقات و انجام توضیحات لازم در خصوص پژوهش، حاضر به همکاری با پژوهشگر شدند. شرکت‌کنندگان دارای مدرک تحصیلی دیپلم از اقشار مختلف جامعه از جمله راننده، آرایشگر، خانه‌دار، فروشنده و غیره بودند. برای انتخاب شرکت‌کنندگان در این پژوهش دو مسئله حائز اهمیت بود: نمونه‌گیری تصادفی و دوزبانه کردزبان-فارسی‌زبان بودن آنها. علاوه بر ۱۴۸ شرکت‌کننده این پژوهش که ۷۵ نفر از آنها را مردان و ۷۳ نفر را زنان تشکیل می‌دادند، برای آماده‌سازی آزمون تطبیق صدا، ۳ گوینده مرد نیز با پژوهشگر همکاری نمودند. دو نفر از گویندگان دوزبانه کردی-فارسی بودند و یک نفر یک‌زبانه فارسی‌زبان. گوینده اصلی در این تحقیق گوینده‌ای بود که متن مورد نظر را به دو زبان کردی و فارسی خواند و صدایش ضبط گردید.

۳-۲- متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل در این پژوهش عبارت‌اند از جنسیت، سن و سطح تحصیلات؛ متغیر وابسته نیز نگرش زبانی دوزبانه‌های کردی-فارسی ساکن در شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار است.

۳-۳- ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

در انجام این پژوهش که بر اساس رویکرد ذهن‌گرایی انجام شده، از دو ابزار پرسش‌نامه و آزمون تطبیق صدا استفاده شده است.

۳-۳-۱- پرسش‌نامه

پرسش‌نامه پژوهش حاضر به صورت خودساخته طراحی و تدوین گردیده است. پرسش‌نامه به طور کلی از سه بخش تشکیل شده است: بخش نخست شامل اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان از جمله جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شهر محل تولد و سکونت است؛ بخش دوم پرسش‌نامه، کاربرد زبان‌هایی را که شرکت‌کنندگان بدان‌ها سخن می‌گویند، در حوزه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف از جمله خانه، مهمانی‌های خانوادگی، مدرسه یا دانشگاه، محل کار و جامعه و با افراد گوناگون ارزیابی می‌کند؛ بخش پایانی در پرسشنامه حاضر نیز از ۲۲ جمله تشکیل شده است که بر اساس مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت^{۱۸} از "کاملاً موافقم" تا "کاملاً مخالفم" طراحی شده‌اند و نگرش شرکت‌کنندگان را نسبت به زبان فارسی معیار می‌سنجند.

۳-۳-۲- آزمون تطبیق صدا

زبان گفتار مشخصه تعیین‌کننده اعضای یک گروه فرهنگی یا یک ملت است و نگرش هر شنونده نسبت به اعضای یک گروه، به زبان آن گروه نیز تعمیم داده می‌شود. به همین لحاظ، واکنش‌های افراد نسبت به یک زبان در هنگام ارزشیابی آن طبعاً باید مشابه واکنش‌های آن افراد نسبت به سخنگویان آن زبان در هنگام تعامل با آنان باشد؛ البته از آنجا که بکارگیری زبان تنها یکی از مشخصه‌های رفتاری مشترک سخنگویان نسبتاً متفاوت آن زبان تلقی می‌شود، شنیدن آن زبان احتمالاً ویژگی‌های عام‌تر یا قالبی آن گروه را در ذهن زنده می‌کند (لمبرت و دیگران، ۱۹۶۰: ۴۴).

در سال ۱۹۵۷ روشی با عنوان شیوهٔ تمایز معنایی^{۱۹} توسط چارلز آزگود^{۲۰}، روان‌شناس زبان، با هدف سنجش معنای ضمنی اشیاء، مفاهیم و رویدادها مطرح شد. معانی ضمنی، استنباط و درک درست آن دسته از نگرش‌هایی که پاسخ‌دهندگان آنها را منفی نگه داشته و به طور عینی بروز نمی‌دهند، ممکن می‌سازند (پرستون^{۲۱}، ۲۰۱۰: ۱۱۳). بر اساس این شیوه، در سال ۱۹۶۰ والس لمبرت، روان‌شناس اجتماعی، و همکارانش آزمون تطبیق صدا را برای مطالعهٔ نگرش زبانی افراد دوزبانهٔ انگلیسی-فرانسوی زبان در استان کبک کانادا طراحی و اجرا کردند.

پس از آماده‌سازی تمام مراحل آزمون تطبیق صدا از جمله تعیین ویژگی‌های شخصیتی، طراحی پرسش‌نامه آزمون، انتخاب متن و ضبط صدای گوینده‌ها و همچنین اجرای آزمایشی آن بر روی ۳۰ زن و مرد دوزبانهٔ کردی-فارسی ساکن در شهر مشهد، این آزمون آمادهٔ اجرا برای گروه اصلی شد. پیش از آغاز مرحلهٔ اجرای آزمون، توضیح مختصری دربارهٔ آزمون و نحوهٔ پاسخ‌دهی به آن بیان می‌شد؛ سپس متن فارسی و کردی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گرفت و وقت کافی برای خواندن به آنها داده می‌شد. از آنجا که در آزمون تطبیق صدا هدف این است که شرکت‌کنندگان بدون توجه به محتوای متن خوانده‌شده، ذهن خود را معطوف به زبان و صدای گوینده کنند، در این پژوهش نیز مشابه پژوهش لمبرت و دیگران (۱۹۶۰) پیش از پخش صداهای ضبط‌شده، متن مورد نظر را به هر دو زبان کردی و فارسی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار دادیم تا با مطالعهٔ آن نسبت به آنچه قرار است بشنوند، آگاهی پیدا کنند. در مرحلهٔ بعد، از شرکت‌کنندگان خواسته شد که ابتدا به ۴ صدای ضبط‌شده (صدای مرد) که ۲ نفر از آنها متنی را به زبان کردی و ۲ نفر دیگر همان متن را به زبان فارسی خوانده بودند، گوش دهند و در حین گوش دادن یا پس از اتمام آن، پرسشنامهٔ مخصوص این آزمون را تکمیل نمایند. به شرکت‌کنندگان این گونه گفته شد که ۲ نفر از گویندگان، کردزبان و اهل استان کردستان هستند و ۲ نفر دیگر فارسی‌زبان هستند؛ در حالی که متن مورد نظر در آزمون توسط سه نفر خوانده شده بود. در واقع، یکی از افراد که زبان مادری‌اش کردی بود و به زبان فارسی نیز تسلط کامل داشت، متن مورد نظر را دو مرتبه، یک بار به زبان کردی و یک بار به زبان فارسی خوانده و

19. semantic differential

20. C. Osgood

21. D. R. Preston

صدایش ضبط شده بود. گویندهٔ دیگر مرد کردزبانی بود که متن را فقط به زبان کردی و دیگری فارسی‌زبانی بود که متن را به زبان فارسی خواند و صدای این دو نفر نیز ضبط گردید. پس از پخش هر صدا تا پخش صدای بعدی حدود یک دقیقه مکث صورت می‌گرفت تا صدای شنیده‌شده از ذهن شنونده پاک شود. گاهی در این بین به سؤالات افراد پاسخ داده می‌شد.

علت قرار دادن صدای ضبط‌شدهٔ کردی و فارسی گویندهٔ اصلی در ابتدا و انتهای آزمون این بود که تا حد امکان، احتمال تشخیص یکی بودن گویندهٔ این دو صدا توسط شرکت‌کنندگان را کاهش دهیم. در این پژوهش، صداهای ضبط‌شدهٔ دو گویندهٔ دیگر که اصطلاحاً 'صداها' پرکننده' نامیده می‌شوند، مورد تحلیل آماری قرار نگرفت.

پرسش‌نامهٔ آزمون تطبیق صدا در ۴ صفحهٔ رنگی طراحی شده بود. در مجموع ۸ برگه متشکل از دو نوع پرسش‌نامه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت، به گونه‌ای که ابتدا پرسشنامهٔ مربوط به آزمون تطبیق صدا و سپس پرسشنامهٔ سنجش نگرش زبانی قرار داشت. پس از اینکه افراد به صداهای ضبط‌شده گوش می‌دادند و پرسش‌نامه‌های آزمون تطبیق صدا را تکمیل می‌کردند، از آنها خواسته می‌شد که پرسش‌نامهٔ مربوط به سنجش نگرش را مطالعه و کامل نمایند و تأکید می‌شد در صورتی که حین انجام این مرحله سؤال یا ابهامی برایشان پیش آمد، پژوهشگر را در جریان آن بگذارند. تکمیل پرسش‌نامه‌ها تقریباً ۲۰-۳۰ دقیقه به طول می‌انجامید.

۴- مبانی نظری

در این بخش، به تعریف نگرش و عناصر سه‌گانهٔ تشکیل‌دهندهٔ آن می‌پردازیم.

۴-۱- نگرش

اپنهایم^{۲۲} معتقد است:

نگرش سازه‌ای است انتزاعی که مستقیماً قابل مشاهده و درک نمی‌باشد. این سازه در درون ذهن افراد قرار دارد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم به واسطهٔ فرایندهای مشخصی از جمله رفتارهای قالبی، باورها، واکنش‌ها یا اظهارات کلامی، نظرات و عقاید، احساسات گوناگون مانند خشم یا خوشحالی و رفتارهای دیگر، خود را بروز می‌دهد.

اپنهایم (۱۹۸۲: ۳۹)

گرت^{۲۳} (۲۰۱۰: ۲۲) از تجارب شخصی و محیط اجتماعی به عنوان دو منبع مهم و تأثیرگذار بر نگرش‌های ما یاد می‌کند. آلپورت نیز بیش از آنکه نگرش را فرایندی ذاتی فرض کند، آن را امری اکتسابی می‌داند (آلپورت، ۱۹۳۵، به نقل از گرت، ۲۰۱۰: ۲۲).

نگرش را می‌توان از دو دیدگاه رفتارگرایی و ذهن‌گرایی نیز مورد بررسی قرار داد (ادگیبجا^{۲۴}، ۲۰۰۰: ۷۶؛ آگیسی^{۲۵} و فیشمن^{۲۶}، ۱۹۷۰: ۱۳۸). بر اساس دیدگاه رفتارگرایی که یکی از نخستین رویکردها در روان‌شناسی است، نگرش در واکنش افراد به محرک‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند. فاسولد^{۲۷} (۱۹۸۴: ۱۴۷) بر اساس رویکرد رفتارگرایی بر این باور است که نگرش پاسخی آشکار و قابل مشاهده در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون است. باین^{۲۸} معتقد است که بر اساس دیدگاه رفتارگرایی، نگرش در واکنش‌ها و رفتارهای آشکار افراد، قابل مشاهده است و تنها راه تعیین و تشخیص نگرش‌ها، مشاهده رفتار آدمی در موقعیت‌های اجتماعی است (باین، ۱۹۲۸، به نقل از آگیسی و فیشمن، ۱۹۷۰: ۱۳۸). وجود یا عدم وجود رابطه مستقیم و قابل پیش‌بینی میان نگرش و رفتار را می‌توان مهمترین محدودیت رویکرد رفتارگرایی دانست (کرچر، ۲۰۰۹: ۴۹-۵۰).

در مقابل رویکرد رفتارگرایی، رویکرد ذهن‌گرایی مطرح گردیده است که بیشتر پژوهش‌های اخیر در حوزه نگرش در چارچوب این رویکرد انجام می‌شوند. بر اساس رویکرد ذهن‌گرایی، نگرش‌ها بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند، اما تعیین‌کننده آنها نیستند. به گفته آلپورت نگرش رفتار نیست اما پیش‌شرط رفتار است (آلپورت، ۱۹۳۵، به نقل از کرچر، ۲۰۰۹: ۵۰). ویلیامز^{۲۹} (۱۹۷۴: ۲) بیان می‌کند که نگرش در رویکرد ذهن‌گرایی به حالتی درونی اشاره دارد که تحت تأثیر موقعیت‌های مختلف بروز می‌یابد و در برخی شرایط، باعث بروز واکنش بعدی فرد نیز می‌شود. آلپورت معتقد است که از دیدگاه ذهن‌گرایی، نگرش مفهومی ذهنی است و این نشان می‌دهد که نگرش‌ها به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند و باید آنها را با توجه به تفکر افراد

-
- 23. P. Garrett
 - 24. E. Adegbiya
 - 25. R. Agheyisi
 - 26. J. Fishman
 - 27. R. Fasold
 - 28. R. Bain
 - 29. F. Williams

استنتاج کرد. با اینکه امروزه رویکرد ذهن‌گرایی در مطالعات و پژوهش‌ها کاربرد بسیار زیادی دارد، اما باید توجه داشت که این رویکرد هم دارای محدودیت‌هایی است. وجود عباراتی از جمله "تمایل به انجام رفتار یا عمل" و "حالتی برای بروز واکنش" در تعاریف ارائه‌شده برای این مفهوم حاکی از آن است که نگرش‌ها به صورت آشکار بروز نمی‌یابند و به طور مستقیم قابل مشاهده نیستند.

در ارتباط با اجزای تشکیل‌دهنده نگرش باید گفت روان‌شناسان اجتماعی معمولاً نگرش را در ارتباط با سه عنصر تشکیل‌دهنده آن به شرح زیر بررسی می‌کنند:

۱) عنصر عاطفی یا احساسات، عواطف درباره شخص، اندیشه، واقعه، یا شیء (ایجاد حالت ترس، محبت، نفرت و غیره).

۲) عنصر شناختی یا عقاید، اعتقادات، آگاهی‌ها یا اطلاعاتی که از سوی فرد کسب می‌شود (اعتقاد به خوبی یا بدی چیزی).

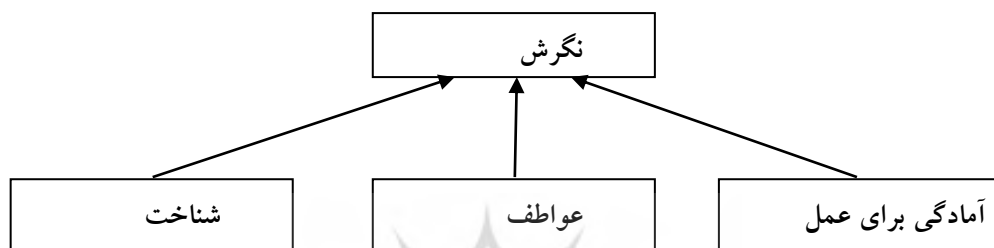
۳) عنصر رفتاری یا قصد و آمادگی برای اقدام.

بدیهی است که این عناصر به گونه‌ای منفرد وجود ندارند و مستقل عمل نمی‌کنند. نگرش، آمیزه یا نقشی در هم آمیخته از احساسات، ادراکات و تمایلات فردی یک شخص درباره یک چیز، شخص یا گروه، یک واقعه، یک اندیشه یا واقعیات و امور مشابه دیگر است (گلشن فومنی، ۱۳۹۱: ۱۹۲-۱۹۳).

گرت (۲۰۱۰: ۲۳) نیز معتقد است که نگرش‌هایی که شامل باورهای افراد درباره جهان خارج و روابط میان اشیا هستند، شناختی تلقی می‌شوند. نگرش‌هایی که در آنها عواطف و احساسات فرد نسبت به یک شیء تأثیرگذار است، عاطفی‌اند و نگرش‌هایی که آمادگی یا تمایل به انجام عمل را در افراد ایجاد می‌کنند، از مقوله رفتاری‌اند. عنصر رفتاری گاهی با عناصر شناختی و عاطفی در نگرش افراد سازگار است. برای مثال، اگر بخواهیم نگرش یک دانش‌آموز را نسبت به زبان اسپانیایی به عنوان زبان دوم بررسی کنیم، عناصر سه‌گانه نگرش به شرح زیر خواهند بود: در صورتی که آن دانش‌آموز معتقد باشد که یادگیری زبان اسپانیایی درک او را از فرهنگ اسپانیایی بهتر و عمیق‌تر می‌کند، با عنصر شناختی نگرش روبه‌رو هستیم؛ اگر او علاقمند به خواندن ادبیات اسپانیایی باشد، با عنصر عاطفی نگرش سر و کار داریم؛ و در صورتی که وی

در حال پس‌انداز پول برای ثبت‌نام در کلاس‌های آموزش زبان اسپانیایی باشد، با عنصر رفتاری مواجه هستیم.

بسیاری از متخصصان این حوزه در مورد این اصل اتفاق نظر دارند که نگرش محصول سه عنصر شناخت، عاطفه و رفتار است (آگیسی و فیلمن، ۱۹۷۰: ۱۳۹؛ بیکر، ۱۹۹۲: ۱۲؛ گرت، ۲۰۱۰: ۲۳؛ ترکان و کجباف، ۱۳۸۷: ۵۰). آجزن^{۳۰} از مدل سه‌عنصری نگرش به صورت سلسله‌مراتبی که نشان‌دهنده رابطه میان عناصر نگرش است، یاد می‌کند.



شکل شماره (۱). رابطه سلسله‌مراتبی میان عناصر سه‌گانه نگرش از دیدگاه آجزن (۲۰۰۵)

وی می‌افزاید مدل سلسله‌مراتبی نگرش به گونه‌ای است که در آن نگرش‌ها روی رفتار تأثیر می‌گذارند؛ به این معنا که وجود واقعی یا نمادین یک چیز، عکس‌العمل مطلوب یا نامطلوب - نگرش به آن چیز - را نشان می‌دهد. این نگرش، واکنش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری را به آن چیز مورد نظر اعمال می‌کند؛ واکنش‌هایی که وضعیت ارزیابی‌شان با نگرش کلی سازگار و هماهنگ است (آجزن، ۲۰۰۵: ۲۰-۲۱).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پس از وارد کردن داده‌های حاصل از اجرای پرسش‌نامه و آزمون تطبیق صدا در نسخه ۲۲ نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^{۳۱}، پایایی هر دو ابزار به‌کاررفته در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ^{۳۲} مورد سنجش قرار گرفت. این فرمول برای تعیین پایایی یک پرسش‌نامه یا آزمون با تأکید بر همبستگی درونی آن به کار می‌رود. نتایج حاصل نشان داد که مقدار ضریب آلفای پرسش‌نامه در این پژوهش برابر با ۰/۸۰۴ و مقدار ضریب آلفای آزمون تطبیق صدا برابر با

30. I. Ajzen

31. Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)

32. Cronbach s alpha

۰/۸۸۴ است. بنابراین، پرسش‌نامه و آزمون تطبیق صدا در این پژوهش پایا و نتایج حاصل از آنها قابل اعتماد هستند.

برای افزایش روایی ابزارها نیز همان‌طور که در بخش (۳-۳-۲) عنوان شد، پیش از اجرای نهایی آزمون‌ها در شهر سنندج، آزمون آزمایشی بر روی ۳۰ نفر از کردزبانان ساکن در شهر مشهد انجام شد و اصلاحات لازم اعمال گردید. لازم به ذکر است که نتایج حاصل از آزمون آزمایشی مورد تحلیل آماری قرار نگرفت و پژوهشگر تنها به ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم بسنده کرد. در مورد روایی پرسش‌نامه، ذکر این نکته ضروری است که پرسشنامه سنجش نگرش زبانی توسط چند تن از اساتید و متخصصان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. از طرف دیگر، از آنجا که هیچ یک از شرکت‌کنندگان در آزمون آزمایشی و آزمون اصلی (به استثنای یک نفر که از فهرست شرکت‌کنندگان حذف شد) نتوانستند تشخیص دهند که نخستین و آخرین گوینده در واقع یک نفر است، روایی این آزمون نیز تأیید می‌گردد.

برای سنجش نگرش کلی (مجموع نگرش شناختی و عاطفی) کردزبانان شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای^{۳۳} و مقایسه میانگین‌ها با عدد ۳ (متوسط) مشخص می‌شود که به طور کلی نحوه نگرش کردزبانان شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار چگونه و به چه میزان است و در صورتی که میانگین به دست آمده بیشتر از ۳ باشد، نشان‌دهنده نگرش مثبت و در غیر این صورت حاکی از نگرشی منفی است. نتایج آزمون در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول شماره (۱). نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای فرضیه اول در مقایسه با عدد ۳

متغیر	تعداد	میانگین	آماره تی	سطح معناداری
نگرش کلی	۱۴۸	۲/۹۳	-۱/۸۹	۰/۰۶

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که متوسط نحوه نگرش کردزبانان شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار که با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای محاسبه شده، برابر با ۲/۹۳ است و در مقایسه با عدد ۳ کوچکتر است؛ همچنین مقدار سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۰۶ است که از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین نتیجه حاصل بدین مفهوم است که کردزبانان شهر سنندج

نسبت به زبان فارسی معیار نگرش مثبتی ندارند. هرچند با توجه به میانگین به دست آمده، می‌توان نگرش آنها را خشی و متمایل به مثبت دانست.

به منظور بررسی وجود تفاوت معنادار میان نگرش شناختی و نگرش عاطفی کردزبانان شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار، از آزمون تی‌زوجی^{۳۴} استفاده گردید که در آن میانگین نگرش شناختی و نگرش عاطفی کردزبانان شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است.

جدول شماره (۲). نتایج آزمون تی‌زوجی در مقایسه نگرش شناختی و عاطفی کردزبانان شهر سنندج

متغیر	تعداد	میانگین	آماره تی	سطح معناداری
نگرش شناختی	۱۴۸	۲/۵۵	-۱۵/۹۱	۰/۰۰۰*
نگرش عاطفی	۱۴۸	۳/۵۱		

* معنی داری در سطح ۰/۰۵

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بر اساس نتایج آزمون تی‌زوجی، متوسط نگرش شناختی و عاطفی کردزبانان شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار به ترتیب برابر با ۲/۵۵ و ۳/۵۱ است. همچنین سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ است ($\leq 0/05$). بنابراین میان نگرش شناختی کردزبانان شهر سنندج و نگرش عاطفی شرکت‌کنندگان نسبت به زبان فارسی معیار، تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به مقادیر میانگین به دست آمده، ملاحظه می‌شود که نگرش عاطفی کردزبانان شهر سنندج بیشتر و مثبت‌تر از نگرش شناختی آنها نسبت به زبان فارسی معیار است.

داده‌های حاصل از آزمون تطبیق صدا در جهت بررسی وجود تفاوت معنادار میان نگرش عاطفی کردزبانان نسبت به سخنگوی کردزبان و سخنگوی فارسی‌زبان به کار گرفته شد. بدین منظور نیز از آزمون تی‌زوجی استفاده شد و در آن میانگین نگرش عاطفی کردزبانان نسبت به سخنگویان کردزبان و فارسی‌زبان مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج آزمون در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول شماره (۳). نتایج آزمون تی‌زوجی در مقایسه نگرش عاطفی کردزبانان نسبت به سخنگویان کردزبان و فارسی‌زبان

متغیر	سخنگو	تعداد	میانگین	آماره تی	سطح معناداری
نگرش عاطفی	کردزبان	۱۴۸	۳/۵۶	-۰/۸۱۳	۰/۴۱۷
	فارسی‌زبان	۱۴۸	۳/۵۱		

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، بر اساس نتایج آزمون تی‌زوجی، متوسط نگرش عاطفی کردزبانان نسبت به سخنگویان کردزبان و فارسی‌زبان به ترتیب برابر با ۳/۵۶ و ۳/۵۱ است. سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ است ($\text{Sig} = 0/417 > 0/05$)؛ بنابراین مشخص می‌گردد که میان نگرش عاطفی کردزبانان نسبت به سخنگوی کردزبان در مقایسه با نگرش عاطفی آنها نسبت به سخنگوی فارسی‌زبان تفاوت معناداری وجود ندارد و نگرش عاطفی به هر دو سخنگو مثبت است.

همچنین بر اساس نتایج حاصل از پرسش‌نامه سنجش نگرش زبانی و آزمون تطبیق صدا در این پژوهش، داده‌های زیر حاصل گردید: میانگین نگرش شناختی سخنگویان مرد و زن کردزبان نسبت به زبان فارسی معیار که با استفاده از آزمون تی مستقل^{۳۵} محاسبه گردید، به ترتیب برابر با ۲/۴۱ و ۲/۶۹ است؛ بنابراین، میان نگرش شناختی سخنگویان زن کردزبان و نگرش شناختی سخنگویان مرد این اقلیت زبانی نسبت به زبان فارسی معیار، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به مقادیر میانگین به دست آمده، ملاحظه می‌شود که نگرش شناختی هر دو گروه از سخنگویان ختنی است، هرچند میانگین آن در سخنگویان زن کردزبان بیشتر از سخنگویان مرد کردزبان است. در مقابل، میانگین نگرش عاطفی سخنگویان مرد و زن کردزبان نسبت به زبان فارسی معیار نیز که از طریق آزمون تی مستقل بررسی گردید، به ترتیب برابر با ۳/۵۷ و ۳/۴۶ است. بنابراین، میان نگرش عاطفی سخنگویان زن کردزبان و نگرش عاطفی سخنگویان مرد این اقلیت زبانی نسبت به زبان فارسی معیار، تفاوت معناداری وجود ندارد و هر دو گروه نسبت به زبان فارسی معیار نگرش عاطفی مثبت دارند.

میانگین نگرش شناختی نوجوانان و جوانان کردزبان نسبت به زبان فارسی معیار که با آزمون تی مستقل محاسبه شد، به ترتیب برابر با ۲/۵۴ و ۲/۵۶ است. در نتیجه، میان نگرش شناختی

نوجوانان کردزبان و نگرش شناختی جوانان این اقلیت زبانی نسبت به زبان فارسی معیار تفاوت معناداری وجود ندارد و نگرش شناختی هر دو گروه خنثی است. از طرف دیگر، میانگین نگرش عاطفی نوجوانان و جوانان کردزبان نسبت به زبان فارسی معیار با استفاده از آزمون تی مستقل به ترتیب برابر با ۳/۵۶ و ۳/۴۶ محاسبه گردید. بنابراین، میان نگرش عاطفی نوجوانان کردزبان و نگرش شناختی جوانان این اقلیت زبانی نسبت به زبان فارسی معیار تفاوت معناداری وجود ندارد و نگرش عاطفی هر دو گروه از شرکت‌کنندگان نسبت به زبان فارسی معیار مثبت است.

بر اساس داده‌های حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه^{۳۶}، میان نگرش شناختی دانش‌آموزان دبیرستانی کردزبان، سخنگویان کردزبان دارای مدرک دیپلم و دانشجویان این اقلیت زبانی تفاوت معناداری وجود ندارد و نگرش شناختی هر سه گروه خنثی است. میانگین نگرش شناختی دانش‌آموزان دبیرستانی کردزبان، سخنگویان کردزبان دارای مدرک دیپلم و دانشجویان این اقلیت زبانی به ترتیب برابر با ۲/۵۵، ۲/۶۰ و ۲/۵۳ است. میان نگرش عاطفی دانش‌آموزان دبیرستانی کردزبان، سخنگویان کردزبان دارای مدرک دیپلم و دانشجویان این اقلیت زبانی نیز تفاوت معناداری وجود ندارد. میانگین نگرش عاطفی دانش‌آموزان دبیرستانی کردزبان، سخنگویان کردزبان دارای مدرک دیپلم و دانشجویان این اقلیت زبانی که از طریق آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه محاسبه گردید، به ترتیب برابر با ۳/۵۶، ۳/۵۰ و ۳/۴۴ است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نگرش عاطفی این سه گروه نسبت به زبان فارسی معیار مثبت است.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، با بکارگیری نسخه ۲۲ نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس، تحلیل آماری توصیفی و استنباطی و استفاده از آزمون‌های پارامتری گوناگون از جمله آزمون‌های تی یک‌نمونه‌ای، تی زوجی، تی مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه به بررسی آماری سؤالات و فرضیه‌های پژوهش پرداختیم که نتایج زیر حاصل گردید. در مجموع، نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده این حقیقت است که نگرش زبانی کردزبانان ساکن شهر سنندج (دوزبانه‌های کردی-فارسی) نسبت به زبان فارسی معیار مثبت نیست، بلکه خنثی و متمایل به مثبت است و نتایج حاصل از ابزارهای سنجش نگرش شناختی و عاطفی افراد نسبت به این زبان با یکدیگر متفاوت هستند. تمایز این تحقیق با پژوهش‌های مرتبط گذشته در درجه اول این

بود که تاکنون نگرش شناختی و عاطفی دوزبانه‌های کردی-فارسی نسبت به زبان فارسی معیار مورد بررسی قرار نگرفته بود. در پژوهش حاضر، برای نخستین بار در کشور این دو نوع نگرش با استفاده از دو ابزار متفاوت مورد سنجش قرار گرفتند.

در این بخش، ابتدا آمار توصیفی نتایج حاصل از کاربرد زبان‌های کردی و فارسی در حوزه‌های مختلف در شهر سنندج ارائه می‌شود؛ سپس نتیجه‌گیری حاصل از یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های پارامتری که در بخش قبل مشاهده شد، به طور مختصر تشریح می‌گردد.

از داده‌های به دست آمده از بخش (الف) پرسش‌نامه، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که افراد در محیط‌های غیررسمی که صمیمیت در آنها بیشتر است، از جمله خانه و مهمانی‌های خانوادگی، کاربرد زبان کردی را مناسب‌تر می‌دانند؛ از طرف دیگر به نظر می‌رسد که رسمیت محیط‌های آموزشی و اداری، کاربرد زبان فارسی را که زبان معیار کشور است، ضروری می‌سازد. در حوزه جامعه، در موقعیت‌های غیررسمی و با مخاطبان صمیمی‌تر زبان کردی در اولویت است، اما در موقعیت‌های رسمی‌تر و در برخورد با مخاطبانی که به لحاظ موقعیت شغلی و اجتماعی در جایگاه بالاتری قرار دارند، کاربرد زبان فارسی افزایش می‌یابد، تا آنجا که کاربرد زبان فارسی در ارتباط با پزشک به بالاترین حد ممکن می‌رسد (۳۹/۹٪). داده‌های حاصل نشان دادند که کاربرد زبان کردی در میان شرکت‌کنندگان و در حوزه‌های مورد نظر این پژوهش در شهر سنندج نسبت به زبان فارسی بیشتر و در اولویت بود (به استثنای حوزه برقراری ارتباط با پزشک). در نهایت می‌توان این گونه نتیجه گرفت که رسمی یا غیررسمی بودن بافت، شغل و جایگاه اجتماعی، و سن گوینده یا مخاطب می‌توانند در انتخاب زبان در حوزه‌های مختلف مؤثر باشند.

میانگین داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها که نشان‌دهنده نگرش شناختی شرکت‌کنندگان است، حاکی از آن بود که نگرش شناختی دوزبانه‌های شهر سنندج نسبت به زبان فارسی معیار خنثی و متمایل به مثبت است؛ بدین معنا که شرکت‌کنندگان این پژوهش، نگرش منفی یا مثبت نسبت به زبان فارسی ندارند و داده‌ها نشان از عدم تعصب آنها دارد. در حالی که بررسی میانگین داده‌های حاصل از آزمون تطبیق صدا که نگرش عاطفی شرکت‌کنندگان را مورد سنجش قرار می‌دهد، نشان‌دهنده نگرش مثبت شرکت‌کنندگان نسبت به زبان فارسی است. هر دو ابزار مورد استفاده در این تحقیق، در راستای سنجش نگرش زبانی افراد طراحی و تدوین شده‌اند، با

این تفاوت که هر کدام یکی از انواع نگرش‌های زبانی را می‌سنجند. همان‌طور که یافته‌های حاصل نشان می‌دهد، نگرش عاطفی شرکت‌کنندگان این پژوهش به زبان فارسی مثبت‌تر از نگرش شناختی آنها است. این نتیجه تأییدی است بر نتایج حاصل از آزمون تطبیق صدا که به واسطه غیرمستقیم بودنش، نگرش پنهان افراد را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

به طور کلی، نتایج حاصل از داده‌های پرسش‌نامه با در نظر گرفتن متغیرهای جنسیت، سن و سطح تحصیلات حاکی از آن بودند که نگرش شناختی افراد دوزبانه مورد آزمون در این پژوهش نسبت به زبان فارسی معیار خنثی است و میان گروه‌های مورد نظر تفاوت معناداری وجود ندارد. به استثنای نگرش شناختی میان زنان و مردان کردزبان که با وجود خنثی بودن و عدم تعصب در نگرش زبانی، میانگین نگرش شناختی زنان بیش از مردان و تفاوت میان آنها معنادار است. نتیجه حاصل تأییدی است بر این واقعیت اثبات‌شده که در جوامع زبانی گوناگون، زنان تمایل بیشتری به گونه‌های معیار و صورت‌های دارای اعتبار اجتماعی بالاتر دارند.

در مقابل، نتایج حاصل از داده‌های آزمون تطبیق صدا نشان دادند که نگرش عاطفی افراد شرکت‌کننده در آزمون در همه گروه‌های جنسی، سنی و تحصیلی مورد نظر نسبت به سخنگوی زبان فارسی مثبت است و تفاوت معناداری میان گروه‌های مورد آزمون مشاهده نشد. در واقع، پس از بررسی نگرش عاطفی افراد به سخنگوی کردزبان و فارسی‌زبان نیز مشخص گردید که شرکت‌کنندگان دوزبانه این پژوهش به سخنگوی هر دو زبان، با وجود برتری بسیار ناچیز سخنگوی زبان کردی، نگرش مثبت دارند. این نتیجه تأییدی است بر اعتقاد لمبرت و دیگران (۱۹۶۰) مبنی بر اینکه نگرش افراد نسبت به سخنگویان یک زبان نشان‌دهنده نگرش آنها نسبت به زبان آنهاست. پس از رتبه‌بندی ویژگی‌های شخصیتی، مشخص شد که برای سخنگوی کردزبان به ترتیب سه صفت "بادب" (۱۰/۴۵)، "با اعتماد به نفس" (۱۰/۳۱) و "خوش‌بین" (۹/۷۳) بالاترین رتبه‌ها را کسب نمودند، در حالی که برای سخنگوی فارسی‌زبان علاوه بر صفات "با اعتماد به نفس" (۹/۳۶) و "بادب" (۹/۳۲)، صفت "تحصیل‌کرده" (۸/۶۲) رتبه سوم را کسب نمود. البته همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین این صفات برای سخنگوی کردزبان بالاتر بود. برای سخنگوی کردزبان پایین‌ترین رتبه‌ها به "باکلاس" (۵/۶۹)، "خوش‌قیافه" (۵/۳۷) و "شوخ‌طبع" (۴/۵۹) اختصاص یافت، در حالی که "رواست" (۶/۶)، "قابل اعتماد" (۶/۰۳) و "شوخ‌طبع" (۵/۴۲) پایین‌ترین رتبه‌ها را برای سخنگوی فارسی‌زبان به دست آوردند.

منابع

احمد خانی، محمد رضا، آرزو نجفیان و محمد رضا کمبری (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در افراد دوزبانه در شهرستان شیروان چرداول. *دوماهنامه جستارهای زبانی*، سال ۵، شماره ۲۱، ۴۳-۶۳.

احمدی، سعید (۱۳۸۸). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در اورامانات (شهرستان‌های پاوه، جوانرود، روانسر، ثلاث باباجانی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران.

بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۶). *مازندرانی: جایگاه، کاربرد و نگرش‌های گویشوران در استان مازندران*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

ترکان، هاجر و محمد باقر کجباف (۱۳۸۷). نگرش چیست؟ *فصلنامه توسعه علوم رفتاری*، سال ۱، شماره ۱، ۴۹-۵۴.

شعبان، مهتاب (۱۳۸۹). بررسی نگرش زبانی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر بروجرد به زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران.

فقیه، فروزان (۱۳۸۹). بررسی کاربرد زبان فارسی در شهرهای سنندج و بانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران.

گلشن فومنی، محمد رضا (۱۳۹۱). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: نشر وانیا.

Adegbija, E. (2000). Language Attitudes in West Africa. *International Journal of Sociology of Language*, 141(1), 75-100.

Agheysi, R. and J. Fishman (1970). Language Attitudes Studies: A Brief Survey of Methodological Approaches. *Anthropological Linguistics*, 12(5), 137-157.

Ajzen, I. (2005). *Attitudes, Personality and Behavior* (2nd ed). England: Open University Press.

Allport, G. W. (1935). Attitudes. In: C. Murchison (Ed.), *Handbook of Social Psychology*, (pp. 798-844). Worcester, Massachusetts: Clark U. P.

Bain, R. (1928). An Attitude on Attitude Research. *American Journal of Sociology*, 33, 940-957.

Baker, C. (1992). *Attitudes and Language*. Clevedon: Multilingual Matters.

Fasold, R. (1984). *The Sociolinguistics of Society*. England: Basil Blackwell.

Garrett, P. (2010). *Attitudes to Language*. Cambridge: Cambridge University Press.

Hansia, A. (2014). *Language Attitudes of First and Second Generation Afghan-Americans and Iranian-Americans towards Dari and Persian*. Master Thesis, New Mexico: University of New Mexico.

Kircher, R. (2009). Language Attitudes in Quebec: A Contemporary Perspective. Doctoral Thesis, England: University of London.

- Lambert, W. E., R. C. Hodgson, R. C. Gardner and S. Fillenbaum (1960). Evaluational Reactions to Spoken Languages. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 60(1), 44-51.
- Oppenheim, B. (1982). An Exercise in Attitude Measurement. In: G. Breakwell, H. Foot and R. Gilmour (Eds.), *Social Psychology: A Practical Manual*, (pp. 38-56). London: Macmillan Press.
- Pishghadam, R. and F. Sabouri (2011). A Quantitative Survey on Iranian English Learners' Attitudes towards Varieties of English: World English or World Englishes?. *English Language and Literature Studies*, 1(1). 86-95.
- Preston, D. R. (2010). Language with an Attitude. In: M. Meyerhoff & E. Schleeff (Eds.), *The Routledge Sociolinguistics Reader*, (pp. 112-131). London: Routledge.
- Soukup, B. (2000). *Language Attitudes in the United States towards Southern American English*. Doctoral Thesis, Vienna: University of Vienna.
- Williams, F. (1974). The Identification of Linguistic Attitudes. *Internal Journal of the Sociology of Language*, 3, 21-32.

